

۱۹۸۸-۱۹۹۱ ۴۸ قابل ۱۹۶۴

واله خانم عزیز و بزرگوار:

آشنایی با سبک نیاپختی بزرگی بر اتم بود. پیشینه‌ها آستان در مورد  
ترجمه شعر و نحوه کهن‌نویسی، در همان فرصت کوتاه، بقدری بر اتم با ارزشی و آموزنده  
بود که دریم را نسبت به کهن‌نویسی تغییر داده است. کم‌کم حسی می‌کنم می‌توانم از  
کهن‌نویسی بی‌تر از کهن‌قدم و بلاکس، لذت ببرم.

کاملاً بدون تعارف می‌گویم؛ هر چه بیشتر اشعار را می‌خوانم  
بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرم. شیوای بیان آن باعث می‌شود که هر جمله‌ای که در آن  
انسان نفوذ کند. شخصی نتیجه بگیرد، در آخر اشعار و یا بعد از چند جمله، و بعضی وقتها  
بازگشت به اول شعر بقدری لطیف و پر مفهوم هستند که آدم را آنگاه می‌داند، به فکر فرو می‌آورد،  
کریاب می‌کند...

خود جرات دارم شعر گویندگان را به آذربایجانی برگردانم. یعنی اتم

از عمود می‌دوری کنم. اما نتیجه قافیه‌های هم آوردم. ترجمه بعضی جمله‌ها را که بود

و به تری ناصحاً نویسی می‌شود، مثلاً "ز طرف گنگی تا گنگی فضا پیا" را می‌گویم

"داسی قایدان که ادا گون گهی به قدر" ترجمه کرد! پی و پی اوس

کلمات و استفاده از کلمات مترادف هم می‌توانست کاری از پیشی

ببرد. در نتیجه مفهوم جمله را گفتم و تغییر کردم؛ "بسیار از جمله‌هایی هرگز از دنیا"

- "بهر آنچه که بوسی آفریند" یا "بهر آنچه که در قدرت آفرینش بر هست".

باری که در راهی نیستیم، البته <sup>برای</sup> بهر کسب و کاری بیاییم که را ندارد. انقدر آنگاه از این

ترجمه  
ترجمه برای من و کازند خواهد بود.

مهر آه این نامه نواری از کتبی علی ابرو او را که از اسفند و مویسی است

هر وقت عینت می شود (برای آن می فرستیم. امیدوارم خوشتان بناید.

هزاران بار قربانتان

ابول

89, 1, 6